

اخبار

طرحی جدید از استاد شهریار

سید محمدحسین بهجت تبریزی (زاده ۱۲۸۵ - درگذشته ۱۳۶۷) متخلص به شهریار (پیش از آن بهجت) شاعر ایرانی اهل آذربایجان بود که به زبان‌های ترکی آذربایجانی و فارسی شعر سروده است. پدرش «حاج میراقا بهجت تبریزی» نام داشت که در تبریز وکیل بود. شهریار دوران کودکی را –به علت شیوع بیماری در شهر- در روستاهای قایش قورشاق و خشک‌ناب بستان‌آباد سپری نمود. پس از پایان سیکل (راه‌نمایی) در تبریز، در سال ۱۳۰۰ برای ادامه تحصیل از تبریز عازم تهران شد و آن در رشته پزشکی ادامه تحصیل داد. حدود شش ماه پیش از گرفتن مدرک دکتری به‌علت شکست عشقی و ناراحتی خیال و پیش‌آمدهای دیگر ترک تحصیل کرد.

پس از سفری چهارساله به خراسان برای کار در اداره ثبت اسناد مشهد و نیشابور، شهریار به تهران بازگشت. او در سال ۱۳۱۵ در بانک کشاورزی استخدام و پس از مدتی به تبریز منتقل شد. دانشگاه تبریز شهریار را یکی از پاسداران شعر و ادب میهن خواند و عنوان دکترای افتخاری دانشکده ادبیات تبریز را نیز به‌وی اعطا نمود. در مرداد ۱۳۳۲ به تبریز آمد و با یکی از بستگان خود به‌نام «عزیزه عبدخالی» ازدواج کرد که حاصل این ازدواج سه فرزند -دو دختر به نام‌های شهرزاد و مریم و یک پسر به نام هادی- بود.

شهریار و دنیای هنر

شهریار به تمامی هنرها، به ویژه شعر، موسیقی و خوشنویسی علاقه داشت. او نسخ، نستعلیق و خط تحریری را خوب می‌نوشت و قرآن را با خط خوش کتابت می‌کرد. در جوانی، سه تار را به نیکیوی تمام می‌نواخت، ولی پس از مدتی در پی تحولاتی درونی، برای همیشه آن را کنار گذاشت.

مهم‌ترین اثر استاد شهریار منظومه حیدربای‌به سلام (سلام به حیدربای) است

ویژگی شعر شهریار

بیان لطیف، ساده، روان و جذابیت کلام، ویژگی‌های شعر شهریار است. البته گاه در کنار بیان لطیف و ادیبانه، دیده می‌شود شاعر با شجاعت، پروایی از کاربرد اصطلاحات عامیانه ندارد و تصاویر زیبایی کلامی را با جملات محاوره‌ای در می‌آمیزد و از اینکه ادیبان، سطح شعرش را نازل بنهنداند نمی‌هراسد. این تلفیق شاعرانه، از ویژگی‌های شعر شهریار است. شهریار معتقد به تحول و تجدید حیات در شعر ادبی بود و آثار این نوگرایی در بیشتر اشعارش دیده می‌شود. او از کاربرد مضامین نو، پروایی نداشت و در این زمینه، نوآوری‌های فراوانی دارد. شهریار در سرودن انواع گونه‌های شعر فارسی -مانند قصیده، مثنوی، غزل، قطعه، رباعی و شعر نیمایی- نیز تبحر داشته‌است. اما بیشتر از دیگر گونه‌ها در غزل شهره بود و از جمله غزل‌های معروف او می‌توان به «علی ای همای ارشد» و «آمدی جانم به قربانت» اشاره کرد. شهریار نسبت به علی بن ابی‌طالب ارادتی ویژه داشت و همچنین شیفتگی بسیاری نسبت به حافظ داشته‌است.

شعر در خدمت دین

شهریار، شعر را هنرمندانه به خدمت گرفته بود تا مذهب، ملت و میهن خود را به جهانیان معرفی کند. شعر او، گاه خواننده را به شعرهای دور و دراز می‌برد، به آسمان‌های عرفان و انسانیت کامل، پرواز می‌دهد و عالم‌هایی بالاتر از این عالم ظاهری را که خود درک کرده است به او نشان می‌دهد. گاه نیز خواننده را دگرگون می‌کند و او را و ا می‌دارد بی اختیار به روزگار حسرت خود، به ناپایداری روزگار، آرزوهای محال، فرصت‌های از دست رفته و بر آن گذشته‌ای که باز آمدنی نیست اشک بریزد و همه گذشته تلخ و شیرین خود را در آن ببیند. در واقع، هر یک از شعرهای شهریار، پرده‌ای از سوز و سازها و افت و خیزهای زندگی او را نشان می‌دهد و از وطن، اجتماع و تاریخ سخن می‌گوید.

شهریار و پرواز تایی نهایت

روح پاک شهریار، این شاعر آزاده، در بامداد ۲۷ شهریور ۱۳۶۷، به سوی بارگاه پروردگارش پر کشید. جسم خسته و نحیف او، با احترامی کم نظیر، بنا بر وصیتش در مقبره الشعرای تبریز به خاک سپرده شد که مدفن بسیاری از شاعران و هنرمندان آن دیار است. اما بدون شک، شعرهای او و آهنگ صدای گیرایش که همرا با موضوعات تغییر می‌کرد و شنونده را کاملاً دگرگون می‌ساخت و قیافه آرام او، همچنان در خاطر همه مردم این مرز و بوم، زنده و جاوید خواهد ماند.

توسط نشر قفقوس؛

ترجمه «موسی» چاپ شد/شرح مختصر عهد عتیق و سیره موسای پیامبر
کتاب «موسی» نوشته گره‌راه فون‌راد با ترجمه فاطمه صباّتی و محمد صباّتی توسط انتشارات قفقوس منتشر و راهی بازار نشر شده است.
نسخه اصلی این‌کتاب سال ۲۰۱۲ توسط انتشارات جیمز کلارک منتشر شده است.

یک بار موسی چنان با خدا سخن گفت که بی‌حرمتی آشکار به مقام الهی بود. موسی به تنگ آمده بود. این مرد بزرگ زیر بار مسئولیت خویش فروشکسته بود؛ با خدا به جدال برخاست و آشکارا از او خواست که بار سنگین این مسئولیت را از دوش او بردارد. این‌کتاب با ۱۱۱ صفحه، شمارگان هزار و ۱۰۰ نسخه و قیمت ۱۸ هزار تومان منتشر شده است.

سینمای ژانر جنگ دارای دسته‌بندی و طبقه‌بندی‌های مختلفی است. گاهی دوربین به میان جنگ‌ها و در میدان جنگ و نبرد می‌رود و گاهی در دل شهری که در حال مقاومت و دفاع است. بخش‌های دیگری مانند فیلم‌های عملیاتی و جاسوسی جنگی و یا سبک زندان و... وجود دارد که آنان را در گزارشی به تفصیل مورد بررسی قرار خواهیم داد.

اما همان‌طور که اشاره شد یکی از این اشکال زمانی است که فیلم روایتگر مقاومت و دفاع مردم از شهر باشد. در این حالت مردم و شهر دو جزء و عنصر مهم و در حقیقت نقش آفرین اصلی فیلم می‌شوند. ما در سینمای دفاع مقدس خود دارای نمونه‌هایی از این سبک سینمای جنگ هستیم، فیلم‌هایی مانند روز سوم ساخته محمدحسین لطیفی و دکل ساخته حسن برزیده. در سینمای جهان نیز می‌توان به فیلمی مانند استالینگراد اشاره کرد که درباره مقاومت و دفاع مردم این شهر تاریخی روسیه در جنگ جهانی است.

از این رو با کارگردان دکل که یکی از ماندگارترین فیلم‌های دفاع مقدس در گونه شهر مقاوم است به گفتگو پرداختیم تا ابعاد و زیبایی مهم ساخت این سبک از فیلم‌های جنگی را با او که در سال‌های جوانی این فیلم را ساخته است مرور کنیم.

*** آقای برزیده به نظر شما تفاوت اصلی و ماهوی فیلم‌های جنگی ما در فضای شهری و مردمی که از شهرشان دفاع می‌کنند با نمونه‌های خارجی و غربی آن چیست؟**

ژانر جنگ تعریفی همه‌گیر و فراگیر جهانی دارد، وقتی می‌گوییم جنگ در آمریکا همه همان معنایی را دارد که در روسیه دارد. آنچه که معنای جنگ را در ایران متفاوت می‌کند ماهیت این جنگی است که ما با آن در ۸ سال روبرو بودیم. برای همین آن را دفاع مقدس می‌خوانیم زیرا از مرزها و آب و خاک کشور دفاع کردیم. ما این موضوع در دیگر کشورها در وهله اول مفهوم‌ها نیست و ناگزیریم که بگوییم جنگ، چون واقعا شناخته شده نیست.

البته در همه دنیا دفاع، مقدس است چون دفاع، ماهیت امری تحسین شده و مقدس است، همه جای دنیا حتی یک کشور کمونیست مثل روسیه، زمانی که مردمش وارد جنگ می‌شوند و دفاع می‌کنند با اینکه کمونیست است چون دفاع می‌کند پسوند قداست را با خود دارد چون دفاع از خاک دفاع دارد.

وقتی از ژانر حرف بزنیم باید بگوییم ژانر جنگی که در قواعد سینما مفهوم است. اما چون جنگ ما از نوع و سنخ دفاع بوده که امری مقدس است اصطلاحا در سینمای ما دفاع مقدس خوانده می‌شود.

آنچه که جنگ ما را از دیگر جنگ‌ها و دفاع از شهرها متمایز کرده است وجهه اعتقادی و ارزشی آن است. به عنوان کسی که از نوجوانی وارد عرصه جنگ شده‌ام و چون آبادانی‌ام توقیف اجباری داشت که در جنگ باشم، به نظر من این جنگ ما به شدت ایدئولوژیک بود چون همه کشورهایی که از قدیم می‌خواستند به خاک ما دست‌درازی کنند و آن را مال خودشان کنند و هم اهداف سیاسی دیگر داشتند.

زمانی که انقلاب شد؛ بخشی از پشتوانه عراق که توسط آمریکا بود از حمایت شاه که دیگر موجودیتی نداشت به حمایت عراق و صدام برخاست و برای حمایت و کمک به او آمدند تا عراق، مقاصد خود را پیدا کند. حتی صدام به کشورهای عربی منطقه گفت که من خط مقدم شما هستم. آمریکا هم عملاً با انقلاب ما مخالف بود و منافع سیاسی‌اش در منطقه ازدست رفته بود، از این‌رو به عراق برای جنگ با ما کمک کرد. پس هم به دلیل دفاع از کشور به خاطر مقاصد سیاسی و قومی عراق‌ای منطقه خصوصا عراق و صدام و هم به علت رفتار آمریکا که ریشه در انقلاب ما

داشت، دفاع از کشور و جنگیدن ما کاملاً سویه اعتقادی و ایدئولوژیک داشت.

*** سبک فیلم‌هایی که به روایت جنگ درون شهر می‌پردازد، به دلیل آنکه شاهد کشتار زنان و کودکان و روایتگر تلخی‌ها و مصایب جنگ می‌شود، پی‌تواند به فضای فیلم‌های تلخ و اصطلاحاً ضدجنگ تبدیل شود.**

دو نکته وجود دارد، یکی اینکه بخشی از ساخت فیلم چه مدافع جنگ و چه ضد جنگ باشد؛ برمی‌گردد به اثر و سازنده آن. اغلب سینماگران ما فیلمنامه را خودشان می‌نویسند و در حقیقت به عنوان سینمای مؤلف شناخته می‌شوند. بنابراین اینکه مؤلف به جنگ و دفاع از ملت اعتقاد داشته باشد یا خیر خیلی مهم است؛ به اینکه جنگ ما جنگ ارزش‌ها بوده است یا اینکه باید نگاه سیاه و تلخی به آن داشته باشد.

حقیقت این است که اگر هزار سال تاریخ تکرار شود و کشوری به کشور دیگر حمله کند قطعاً مردم آن دیار از کشور خودشان دفاع می‌کنند. این حقایقت دفاع از مردم و خاک در هنر تبدیل به حماسه می‌شود و بنابراین سینمای جنگی ما در این حقیقت اینه دفاع از کشور است، می‌شود سینمای حماسی.

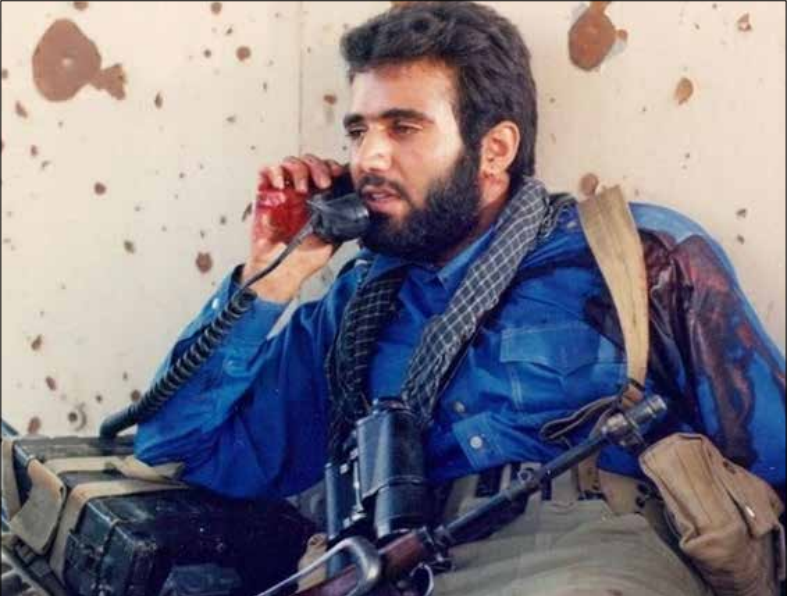
زمانی هم که حماسه خلق می‌شود خصوصاً با این توضیحاتی که گفته شد، مورد تحسین واقع می‌شود. الان صدها سال از حادثه کربلا می‌گذرد اما آیا کسی امام حسین (ع) را برای قیامشان سرزنش می‌کند؟ البته در جنگ ناگامی‌هایی نیز وجود دارد که به بخش دنیوی مربوط است مانند مرگ و ویرانی‌ها اما حقیقت آن، زیبایی است. دقیقاً مانند چیزی که حضرت زینب گفتند که غیر از زیبایی چیزی ندیدم با اینکه آن همه قتل و فجایع را به چشم دیدند اما حقیقت آن حوادث را با چشم دل دیدند.

در جنگ ما نیز هزاران نفر شهید شدند و آسیب‌های جدی دیدند. همین الان در آسیاشگاه‌های ما جانبازان زیادی هستند وضعیت دلخراشی دارند یا بچه‌های زیادی هستند که بدون پدر و مادر بزرگ شدند؛ اینها صحنه‌های غمباری است اما همه برای نجات جان ملت و دفاع از کشور بوده است. یعنی برای یک امر مقدس. افرادی که برای این امر کشته شدند اسطوره‌های این کشورند که برای این آرمان شهید شدند.

البته شخصاً از بچه‌های جنگ و دفاع مقدسم زیرا اصالتاً ساکن آبادانم و آرزو می‌کنم هیچ وقت جنگ نباشد و کشوری در هیچ جای دنیا درگیر جنگ نباشند و در شرایط بهتری اختلاف میان کشورها حل شود. اما این را نباید فراموش کرد که مردم هر کشوری که به آنجا حمله شود بر اساس رفتاری که می‌کنند در تاریخ قضاوت می‌شوند. اگر ایستادند تحسین می‌شوند اگر هم نه مورد سرزنش

برزیده: کسی که در ایران فیلم جنگی می‌سازد باید به «دفاع مقدس» اعتقاد داشته باشد

هالیوود از آدم‌ها ماشین جنگ برای کشتار تولید می‌کند



و تکفیر تاریخ قرار می‌گیرند. مردم ما ایستادند و تاریخ هم آنان را تشویق می‌کند.

بنابراین اگر من فیلمساز اعتقاد داشته باشم، از همین زوایه دید فیلم جنگی را باید بسازم و همین کار را هم می‌کنم.

دوم اینکه سینمای ما و هنرمندانی که از زاویه دید منفی و انتقادی به جنگ نگاه می‌کنند به این سؤال باید پاسخ بدهند که واقعیت این جنگ چه بوده است؟ ما به هیچ‌وجه در این جنگ پیش‌قدم نبودیم نه تنها ما که اهل‌لیت و ائمه نیز در هیچ جنگی پیش قدم نبودند. اما در سال ۱۲۵۹ در کشور ما حمله شد و جوانان ما نیز باید در این جنگ شرکت می‌کردند. سوءاستفاده یا خیانتی در این دفاع و مقابله با دشمن که نبوده است.

برای همین به نظر اصلا نمی‌شود که فیلم ضدجنگ تولید کرد مگر آنکه واقعیت را تحریف کنیم و محتواهایی را خود فیلمساز به آن اضافه کند. شاید ما به مسائل سیاسی و داخلی نقد داشته باشیم اما اگر منصف و راستگو و قائل به عدم تحریف تاریخ باشیم، این جنگ، جنگی کره‌ و زشت نیست و تصویر بدی از گذشته ارائه نداده است.

اما در ادامه برای اینکه بخواهم دقیق‌تر به سؤال شما پاسخ بدهم و از نگاه سینمایی بررسی کنم باید بگویم که در این نوع فیلم‌ها باید هرچیز دشمن‌شانه و خوی غیرانسانی دشمن را به تصویر کشید. مردمی که در شهری به آرامی زندگی می‌کنند و یکباره توسط دشمن بدذاتی مورد حمله قرار گرفته‌اند. اولین قدم این است، اینکه دشمنی که طرف دیگر ماجرا است وجود دارد که به بخش دنیوی مربوط است مانند مرگ و ویرانی‌ها اما حقیقت آن، زیبایی است. دقیقاً مانند چیزی که حضرت زینب گفتند که غیر از زیبایی چیزی ندیدم با اینکه آن همه قتل و فجایع را به چشم دیدند اما حقیقت آن حوادث را با چشم دل دیدند.

در جنگ ما نیز هزاران نفر شهید شدند و آسیب‌های جدی دیدند. همین الان در آسیاشگاه‌های ما جانبازان زیادی هستند وضعیت دلخراشی دارند یا بچه‌های زیادی هستند که بدون پدر و مادر بزرگ شدند؛ اینها صحنه‌های غمباری است اما همه برای نجات جان ملت و دفاع از کشور بوده است. یعنی برای یک امر مقدس. افرادی که برای این امر کشته شدند اسطوره‌های این کشورند که برای این آرمان شهید شدند.

البته شخصاً از بچه‌های جنگ و دفاع مقدسم زیرا اصالتاً ساکن آبادانم و آرزو می‌کنم هیچ وقت جنگ نباشد و کشوری در هیچ جای دنیا درگیر جنگ نباشند و در شرایط بهتری اختلاف میان کشورها حل شود. اما این را نباید فراموش کرد که مردم هر کشوری که به آنجا حمله شود بر اساس رفتاری که می‌کنند در تاریخ قضاوت می‌شوند. اگر ایستادند تحسین می‌شوند اگر هم نه مورد سرزنش

نشان بدهیم اما در مورد جنگ ما تفاوت دارد. مردم ما ماشین جنگی نبودند حتی ساخت سنگر و مانع را هم چندان بلد نبودند و با آموزش‌های نظامی فشرده توسط ارتش و سپاه یاد گرفتند.

علاوه بر این، نکته‌ای که باید اینجا اضافه کنم این است که جذابیت فیلم‌های مقاومت شهری و جنگی برای این است که مردم نقش اصلی را بازی می‌کنند. ارتش و سپاه و بیسج در جنگ کنار مردم بودند اما بار اصلی روی دوش مردم بود. خصوصاً آنکه ارتش بسیار قوی نداشتیم و سپاه هم نوبا بود اگرچه که بچه‌های هوانپوزر ارتش زحمات بسیاری را کشیدند در حالی که ارتش فقط ۱۱ لشکر مکانیزه داشت!

بنابراین برخلاف ماشین جنگی‌های قتل عامی که در فیلم‌های هالیوودی می‌بینیم مردم ما در جنگ آدم‌هایی بودند که باید دفاع می‌کردند و بس، این خیلی متفاوت است از چیزی که در فیلم‌های جنگی می‌بینیم و غیر از این اگر در فیلممان چیزی نشان بدهیم دروغ است و تحلیل شخصی خود فیلمساز است.

*** کمی درباره ساخت فیلم دکل توضیح بدهید: اینکه در شهری مانند آبادان که در روزهای بعد از جنگ هنوز شرایط جنگ زده را داشت و در چنین شهری فیلم ساختید. شرایط آن موقع چطور بود و چقدر خود محیط در این زمینه برای فضاسازی کمک کرد؟**

لوکیشن فیلم خود شهر آبادان بود؛ شهرک سینمایی و یا جای دیگری نبود. آبادان در آن سال‌ها شهری بود که هنوز مثل امروز فعال نبود، در واقع شهری بود که بعد از جنگ چندان به کار نیفتاده بود و می‌شد در آن فیلمی مانند دکل ساخت.

هنگام فیلمبرداری ما به گرمای ۵۰ درجه خورديم و برخی از عوامل حتی مریض شدند اما در کل همکاری میان ارگان‌ها و مردم و عوامل خیلی بهتر از الان بود. آنکیزه کافی برای کار وجود داشت البته نسبت به الان. از نظر پیشرفت در تکنیک و ابزار عقب‌تر بودیم. البته من به بعد انسانی جنگ علاقه داشتم تا اکشن و برای همین بحث‌های فنی و تکنیکی چندان اهمیت زیادی نداشت اما امروز اگر کار جنگی بخواهم بسازم باید این مسائل را در بالاترین سطح ممکن درنظر بگیرم و سراغ متخصصینی بروم که چاشنی اکشن همراه با جلوه‌های ویژه فنی را در فیلم جای بدهم.

برای همین شاید آن روزها فیلم جنگی راحت‌تر وسط شهر ساخته می‌شد. ما برای استفاده از بازار، آنجا را فرق و هزینه مغازه‌دارها را نیز پرداخت کردیم، اما امروز چنین کاری ممکن نیست.

یک سبستی در همه کشورها هست که مردمی که در شهرهای مرزی‌اند باید از نظر امکانات رفاهی و خدمات اجتماعی در شرایطی باشند که در صورتی که به شهر آنان حمله شد قدرت روحی برای دفاع و مقابله با دشمن را داشته باشند. این یک استراتژی کاملاً درست است که زمانی که حکومت هوای مردم مرزنشین را داشته باشد آنها نیز روزهای سخت و دشوار، نظام و مملکت خودشان را تنها نگذارند. اگر با مردم یک شهر و منطقه کاری کنیم که به آنجا تعلق خاطر و شهرشان را دوست داشته باشند، هنگام دفاع در شهر خود می‌ایستند.

در شرایط فعلی کشور ما اگر خدای ناکرده مورد حمله دشمن واقع شود قطعاً بار دیگر از مرزهای جنوبی مورد تصادم با دشمن واقع خواهد شد؛ آیا مسئولین ما در این سال‌ها توانستند شهرهای جنگ زده خرمشهر، آبادان، سوسنگرد، دهلران، اهواز و... را به وضعیت مناسبی بازگردانند و مردم را از نظر معیشت تأمین کنند؟ مردمی که از کشور دفاع کردند و جانشان را در دستانشان گرفتند. البته تمام مردم ایران در دفاع از کشور سهیم بودند اما بدون شک مردم جنوب در این مبارزه سهم ویژه‌ای داشتند و بیشتر خسارت‌ها و آسیب‌های روحی و جسمی متوجه آنان بود.

اخبار

رییس و مدیران سازمان فرهنگی هنری به پوش «جرم بزرگ» پیوستند
حجت الاسلام میثم امرودی و جمعی از مدیران سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، به منظور اعلام انزجار از تکرار اهانت نشریه شارلی ابدو، به پوشش رسانه «جرم بزرگ» پیوستند.

به گزارش امتیاز، پوشش رسانه‌ای «جرم بزرگ» از تمامی اهالی فرهنگ و رسانه دعوت می‌کند با انتشار پست مشترک در صفحه شخصی خود در فضای مجازی، از تکرار بی شرمانه توهین نشریه فرانسوی زبان «شارلی ابدو» اعلام انزجار کنند.

به همین منظور، روزگشته رییس و مدیران سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، با انتشار پست‌هایی در فضای مجازی، این توهین وقیحانه را محکوم کردند. پوشش رسانه‌ای «جرم بزرگ» از تمامی اهالی فرهنگ و رسانه دعوت می‌کند با انتشار پست مشترک در فضای مجازی صفحات شخصی؛ اعلام انزجار خود از توهین نشریه فرانسوی زبان «شارلی ابدو» را با هشتگ‌های: #جرم _ بزرگ #ترویرسم:رسانه‌ای

#شارلی ابدو و رسانه _ نیست به زبان فارسی

#جریمهٔ عظیمهٔ #الارهاب!بالاعلامی

#شارلیابدو!یس_اعلامًا

به زبان عربی #MediaTerrorism# #GreatCrime #CharlieHebdoIsNotMedia

به زبان انگلیسی و #G r a n d C r i m e # #T e r r o r i s m E m é d i a t i q u e #CharlieHebdoNestPasUnMédia

به زبان فرانسوی که برای اعلام انزجار از این اقدام بی‌شرمانه رسانه‌ای طراحی شده است؛ بارگذاری کنند.

علاقه مندان برای پیوستن به این پوشش و دریافت پست اختصاصی می‌توانند، عکس و نام خود را به صفحه رسمی فرهنگ‌سرای رسانه در اینستاگرام به نشانی: @farhangsararesaneh دایرکت کنند.

فیانیست‌های جایزه کتاب آلمان معرفی شدند

دیزو ۱۵ سپتامبر طبق اعلام قبلی، جایزه کتاب آلمان ۶ رمان برتری را به فهرست نهایی این رقابت راه یافتند، معرفی کرد. از وقتی زمان ثبت نام برای شرکت در این دوره به پایان رسید هفت عضو هیات داورى این جایزه ۲۰۶ کتاب را بررسی کردند و پس از انتشار فهرست اولیه‌ای که دربرگیرنده ۲۰ رمان بود، در مرحله بعد ۶ رمان را به عنوان فینالیست انتخاب کردند.شرط شرکت در این رقابت انتشار کتاب از اکتبر ۲۰۱۹ تا ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۰ بوده است. هانا انگل مایر سخنگوی هیات داورى هنگام انتشار فهرست اولیه باصدور بیانیه‌ای در این باره گفته بود: برخلاف خبرهایی مبنی بر اینکه در ماه‌های اخیر کتاب نخوانده‌ایم، کشف بیش از ۲۰۰ عنوان کتاب جدیدشان دهنده امید زیادی است.

وی افزود: این تعداد کتاب هیات داوران را با پانورامای آرمان‌های بیشتر واقع‌گرایانه‌روبروساخت، تعداد قابل توجهی از آنها از روایتی خودزندگی‌نامه‌ای بهره گرفته‌اند و برخی از آنها موضوعی تاریخی را انتخاب کرده‌اند.این فهرست در عین حال دربرگیرنده رمان‌هایی است که به مباحث اخیر درباره هویت سیاسی می‌پردازند. همچنین به همچنین کتاب‌هایی خلق شده‌اند که فرجه‌ای تجربی را به چالش کشیده‌اند. بنا بر این فهرست اولیه ما نه تنها دربرگیرنده طیفی وسیع از نظر موضوعی بلکه طیفی وسیع از شکل‌های بیان شعرای هم‌هستند. نویسنده‌ای که در این فهرست، و رمان‌هایی که به عنوان فینالیست انتخاب شده‌اند عبارتند از: بوو بیرگ برای «مارپیچ‌ها» (کلاسن)، ژانویه (۲۰۲۰)

دوروتی المایگر برای «از کارخانه شکر» (کارل هانسر، اگوست ۲۰۲۰)

توماس هج برای «بندقلب» (کیبن هویر & وِیج، سپتامبر ۲۰۲۰)

دنیس اوتو برای «نور پاک‌کنده» (سورکمپ، اگوست ۲۰۲۰)

آن وِبر برای «آنت، یک حماسه قهرمانانه» (مانیس & زایتس برلین، فوریه ۲۰۲۰)

کریستین وونیکو برای «بانویی با دستِ نقاشی‌شده» (برنبرگ، اگوست ۲۰۲۰)

به این ترتیب هلنا آدِر، بریگیث برنباخر، آرنو کامندیش، رومان اریلس، والری فریج، چارلز لوینسکی، لایف راندت، استفان روییس، رابرت سیتالر، افا سیپتل‌اشمیت، اولیوا وِزل، فرانک ویتسل، ایریس وولف و ینیس وونه‌برگر از رسیدن به مرحله نهایی بازماندند.ارزش جایزه کتاب آلمان ۳۷۵۰۰ یورو است که از این میان برنده ۲۵ هزار یورو و هر یک از فینالیست‌ها نیز ۲۵۰۰ یورو دریافت می‌کنند. ۱۲ اکتبر برنده این رقابت در مراسمی که آغازگر نمایشگاه کتاب فرانکفورت خواهد بود، معرفی می‌شود.هیچکس از نامزدها تا لحظه اعلام نام برنده در این مراسم، از انتخابش خبر نخواهد داشت.

اهدای انگشتر ویژه به مهمانان ویژهٔ برنامه گفتگو‌محور «حسن مشترک» در سه روز آینده با حضور سیدعلی صالحی، امیر غفرانمش و شهرد سلطانی روی آنتن می‌رود.

ویژهٔبرنامه گفتگو‌محور «حسن مشترک» در سه روز آینده با حضور سیدعلی صالحی، امیر غفرانمش و شهرد سلطانی روی آنتن می‌رود. ویژهٔبرنامه گفتگو‌محور «حسن مشترک» در سه روز آینده با حضور سیدعلی صالحی، امیر غفرانمش و شهرد سلطانی روی آنتن می‌رود. «حسن مشترک» به تهیه‌کنندگی پویان هدایتی در روزهای پایانی شهریورماه میزبان سه بازیگر سینما و تلویزیون می‌شود. «حسن مشترک» به تهیه‌کنندگی پویان هدایتی کاری از گروه معارف شبکه دو با مشارکت سازمان اوقاف وامورخبریه است که در ایام محرم و صفر هر شب بعد از خبر ساعت ۲۲،۳۰ از شبکه دو همرا بخش می‌شود.همچنین بازیخشی این برنامه روز بعد در ساعت های ۰۶:۴۰ و ۱۴:۰۰ از شبکه دو سیما خواهد بود.